



□ استاد حسین اسلامیان، چهره‌ای پر خلوص در حیات

مینیاتور و تذهیب

□ سهراب هادی

یادواره دومی سال در گذشت استاد حسین اسلامیان

در آستانه بهار ۶۲ و پنجمین فصل شکفتن لاله‌ها از استادی سخن بمیان می‌آوریم که حیات هفتاد و چند ساله‌اش تلاشی بود که ثمربخشید تا نگاره‌هایش در سالیان هجوم مغول‌وار اندیشه‌های ناباورانه متفکرانی غرب‌اندیش به برهیز نشیند و در کلامی و قلمی

حقیقت به وسعت آفتاب را نوید دهد و بگوید که مرا به زحمت خویش بگذارید تا آفتاب برعالم بتابد و تاریخ حقیقت را بگوید و سخت نگیرید، برمن که کناره نشسته‌ام و باورم حقیقتی است برنجف طلوع کرده و انتظارم آنجاست و خویش را در بودنش یافته‌ام. بیست و یکم فروردین ۱۳۶۰ جمعه سنگینی بود، آفتاب خسته نفس تابیدن نداشت و باد در کلام از بودن نمی‌گفت و از حرکت پشیمان بود.

نفس‌ها در سینه تنگی می‌کرد و به شمارش نشسته بود، ساعت فریاد برمی‌آورد تا انگاره‌ها جان خویش را تقدیم کردند و لحظه‌ای نومی‌بایست و آغازی دیگر، چرا که وسعت و تمامیت آغاز برای حیاتی ابدی منشاء می‌یافت.

آفتاب ایستاده بود و باد پشیمان از وزیدن و فریاد در سینه بشمارش نشسته و شنگرف و ارغوانی و زنگار به تماشا بودند، راستی آنها میخواستند مدافع چه چیز باشند؟ نه، از هیچکس چیزی نپرسیدند. مرکب را هم ندیدند که پائین آمد. چهره آرام در بستر آرمیده که فریاد را فراموش نکرده بود رفتش هم سالیان حیاتش را از خاطره‌ها محو نکرد. می‌گفتم که مرکب پائین می‌آمد و بسته شدن چشمان او مرا به حقیقتی دیگر برد. آوائی بلند شنیده شد که طنینی الهی داشت و اندیشه‌ای ملکوتی بر مرکب روح سوار و از کالبد بسته تنی خسته رهایی یافت و اندیشه‌اندیشمندی عارف در سیر حیات پرتلاش خویش به ابدیت رفت.

این حادثه نه به آن سبب عظیم بود و این روزنه از آن جهت سنگین که انسانی به ابدیت می‌رفت! آن روز در فقدان و سوگ هنرمندی نشستیم که حیاتش خدمت بود و خدمتش حیاتی پر بار در ابقای آثار اصیل و ارزشهای هنر اسلامی.

دوره‌ای که هنرمندانی غافل از اندیشه «بودن» به بیهودگی و پوسیدگی خویش تن درمی‌دادند و بودن را به سهولت فراموش کردند و مست از هنر چنان متکبرانه قدم و قلم می‌زدند که خیالشان را هم شاید در انتهای ترین تاریکخانه ذهن خویش آغشته به آلودگی نیافتند و به سرسپردگی خود هم اندیشه نکردند. اما اوتابش و درخشش هنر مینیاتور بود و تذهیب را هم خوب میدانست و رنگ و ریشه‌اش در اصالت و بویائی مذهب جعفری شکل انداخته بود.

... و نام او در ردیف هنرمندان طراز اول آن مقطع اگر ذکر نشد نه به خاص ناتوانی بود که یدی طولاً داشت. مرحوم استاد حسین اسلامیان چهره‌ای سراپا خلوص در حیات هنر مینیاتور و تذهیب بود که بدور از جریانات تبلیغی دستگاه و رهروان وادی بردگی قدم و قلم برداشت و بی‌توقع و خاضعانه در تعهد حیات انسانی خویش بدون چشم‌داشتی به پاداش‌ها و تمجیدهای روشنفکرانه دستداران هنر خالی از محتوا در پیش نظام پوشالی آنچنان مقاوم و استوار با دستنایی پرتوان خلق کرد که آفریدنش خبرگانی را که داعیه خلق هنر داشتند به حیرت انداخت.

و از آن لحاظ است که توجهات را بها نداده و این اصول از منش های تواضعانه هنرمندی است که حیاتش در تواضع است و تواضعش هنر اوست.

شادروان استاد حسین اسلامیان بسال ۱۲۹۰ شمسی در اصفهان دیده بجهان گشود و در خاندانی حیات پذیرفت که مسلکشان پیشه در هنر بود. جدش استاد محمد حسین از مجموعه داران هنر و نقاشی بود و در این جمع بود که شکفتن و روئیدن گرفت.

در هفت سالگی به مکتب رفت و ۹ ساله بود که در کارگاه پدرش مرحوم حاج محمد قلم ساز مشغول کار شد و اشتیاقش او را به جهد واداشت و تلاش هر روز اش در ثمر کاری به باز نشست که به توصیه پدر در سن یازده سالگی نزد مرحوم استاد امامی به تعلیم نشست و در ۱۸ سالگی که ایشان تحت تعلیم استاد بودند چنان تبحری در کار یافتند که استاد امامی کار ایشان را بنام خود امضا کردند و این دال بر اجتهاد استاد در هنر گشت.

استاد حسین در صفات اخلاقی و انسانیت بارز بود و همیشه با احترام و سپاس از استادش میرزا آقا امامی یاد می کرد.

استاد اسلامیان در سالهای ۱۳۱۵-۱۳۱۲ شمسی با علاقه ای وافز در مدرسه «نیم آور» «کاسه گران» اصفهان به آموختن کتابهای جامع المقدمات- الفیه ابن مالک با شرح سیوطی صمدیه یا شرح سید علی خان کبیر، عوامل جرجانی- الکبری در منطق و شرح منظومه حاج ملاهادی سبزواری و حاشیه ملا عبدالله- اشکال المیزان و غیره پرداخت و در ضمن تعلیم از محضر آقایان سید محمد علی نجف آبادی و شیخ محمد رضا مجد شاهی استفاده کرد.

استاد به زبان عربی تسلطی کامل داشت و در دوره های حج مترجم کاروان بود و زبان انگلیسی و فرانسه را هم میدانست استاد اسلامیان چه زود روئید و چه زود هم به خزان نشست و در این کوتاه روئیدن چه ثمرها که نیکو نداشت و چه حیاتی پر اثر.

استاد در محفلی گفته بوده است که بعد از گذراندن هیجده سال تعلیم تحت تأثیر فتوی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی دست از نقاشی و مینیاتور برداشت که ایشان مصوری را حرام میدانستند و به کشاورزی پرداختم، در خاطراتش آمده است با این کار تصور می کردم مسلمان نیستم و بارها کردن پیشه هنر به کشاورزی روی آوردم.

چون تمایلاتم به حیات طبیعی بود و در میان گل و گیاه و طبیعت است که وجود خالق و مخلوق را در زوایای هستی به عینه می بینم و در رنج و کار است که انسان شفاف و زلال گشته و رنگهای نفسانی اش زدوده میشود.

این دوره انقطاع چندان دوامی نیافت که استاد در نشستی با مجتهدین اصفهانی پی میبرد که نقش آفریدن با مصوری متفاوت است و این حیاتی است نودر زندگی او که مشتاقانه دل بکار بسته است و اینگونه با خمیرمایه ای یافته از طبیعت و صداقتهاش به کار میپردازد و حاصل تلاشش بیش از ۴۰۰ تابلوی مینیاتور و تذهیب است که حیاتی است جاودان و در ردیف بزرگترین آثار هنری جهان.

استاد اسلامیان در دوره‌های مختلف حیاتش با حداقل معاش بیشترین تلاش را داشته و هیچگاه فقر اقتصادی عامل توقف کارش نبوده است و از اینرو در سختترین شرایط با توجه به حالات روانی عمیق خویش به خلق آثار هنری می‌پرداخته است.

استاد حسین اسلامیان در سال ۱۳۲۶ به تهران می‌آیند و با فعالیت هنری خویش آثار ارزنده‌ای عرضه می‌دارد و ۱۳۳۴ بود که از طرف اداره هنرهای زیبای وقت به همکاری دعوت شده او بیش از نیم قرن در راه اعتلای هنرهای اسلامی، مینیاتور، تذهیب و تشعیر تلاش کرد و در این راه به موفقیت‌هایی نیز دست یافت.

سال ۱۳۳۷ با شرکت در نمایشگاه بین‌المللی بروکسل مدال طلا و دیپلم هنری نمایشگاه را بدست آورد.

از خصوصیات کاری استاد بکارگیری رنگ‌های روشن و افروخته‌تلاپی و لاجوردی، قلم ظریف گردشهای عجیب و خیره‌کننده طرحها و رنگ‌ها بود.

استاد اسلامیان از اساتید نقاشی کتابی مینیاتور و تذهیب هستند که برای هنر اسلامی و سنتی ایران اعتباری خارق‌العاده کسب کرده‌اند و در کارهای میناسازی مهارتی ستودنی داشت و از جمله کارهایش آلبوم بسیار نفیس و تشعیر و تذهیب‌های شاهنامه فردوسی چاپ امیرکبیر است و نیز یک جفت آلبوم شکار چوگان و آخرین اثر استاد که نقاشی طلاکاری از ضریح حضرت رضاست که بر اثر مرضی و ناتوانی نیمه کار جاودان شده است.

استاد علاوه بر مینیاتور و تذهیب در قلم‌سازی، سوخت، معرق، شبیه‌سازی - زرنشان کوبیده بوسیله چرم و کارهای روی چوب و تهیه بوم، اصلاح و تعمیر کارهای کلیه اساتید گذشته بشکل اولیه تسلطی کامل داشت و سال ۵۵ ضمن شرکت در نمایشگاه هنر اسلامی در لندن به مدت چندین ماه از موزه‌های لندن، پاریس و ایتالیا بازدید بعمل آورد و یکی از آثارش هم در نمایشگاه جهانی پوستر در ایتالیا مقام اول را حائز گردید، استاد ضمن آفرینش‌های هنری خویش با ارائه مدرک سیکل قدیم که از ۴۵ سال قبل بود مجدداً به تحصیل پرداخت و در سن ۶۵ سالگی دیپلم ریاضی گرفت.

استاد در بُعد تعلیم و تربیت شاگردان مؤمن و متعهد یدی طولا داشت و تلاشی پی‌گیر می‌کرد. حاصل این تلاش هنرمندانی است که با کسب خصائص اخلاقی و قدرت اندیش و روانی او می‌روند تا با ادامه تجربیات وسیع استاد به تداوم حیات هنر اصیل اسلام همت گمارند و در جمع شاگردانش میتوان از فرزین پیروزی، منصور تافسن، ساسان روزبهان و تقی حوریان نام برد، امید است که شاگردان استاد ارزش‌های هنر انسانی و ربانی را به طالبان هنر عرضه دارند و دین خویش را به جامعه و حیات هنری ادا نمایند.

فاموس دومین سالگرد درگذشت استاد حسین اسلامیان را به هنرمندان و خانواده محترمش تسلیت عرض می‌نماید و بقای طول عمرش را برای رهروانش آرزو مند است.

والسلام